



نهج البلاغه (کتاب)

کتاب شریف نهج البلاغه شامل سخنن و کلمات و نامه‌های گهربار **امیر المؤمنین** و امیر بیلین، **علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)** است که در موقعیتهای گوناگون بیان فرموده یا برای افراد مختلف نوشته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی کتب
- ۲ - ارزش و اعتبار کتب
- ۲.۱ - خصوصیت کلام امام علی
- ۳ - از زبان مؤلف
- ۴ - اولین گردآورندگان
- ۵ - شخصیت و انگیزه و روش سید رضی
- ۶ - زمینه‌ها
- ۷ - وجه نامگذاری
- ۸ - سخنن حضرت
- ۹ - محور ها و عناوین
- ۱۰ - منابع و اسناد
- ۱۱ - شروع و مستدرکات
- ۱۲ - ترجمه و کتب موضوعت
- ۱۳ - نسخه‌های خطی
- ۱۴ - روش استفاده از قرآن و کلمات معصومین
- ۱۴.۱ - نگرش انحراف آمیز
- ۱۴.۲ - نمونه برداشتهای غلط
- ۱۵ - پانویس
- ۱۶ - منبع

معرفی کتب

گردآورنده این کتاب ارزشمند **سید رضی**، ابو الحسن، محمد بن حسین موسوی است (۳۵۹-۴۰۶ هجری)، این کتاب شریف در سه بخش شامل خطبه‌ها و نامه‌ها و برخی از سخنن کوتاه و گهربار **امیر المؤمنین** و امیر بیلین **علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)** است که در موقعیتهای گوناگون بیان فرموده یا برای افراد مختلف نوشته است. کلام امیر المؤمنین (علیه‌السلام) دو خصوصیت ویژه دارد: اول، زیبایی و فصاحت و انسجام بی‌نظیر که آن را «فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق» قرار داده است. دوم، تأثیر و نفوذ شگفت‌انگیز آن؛ به طوری که نه تنها در آن زمان، که پس از چهارده قرن هنوز هم هر شنونده ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نهج البلاغه کتابی است که بزرگترین فصحا و بلیغ‌ترین گویندگان در طول تاریخ افتخار خویش را در محضر نهج البلاغه بودن دانسته‌اند. نهج البلاغه کتابی نیست که تنها از حیث لفظ، اوج قله‌های فصاحت را فتح کرده باشد؛ بلکه محتوا و مضمون این کتاب شریف نیز تالی و دنباله رو قرآن است.

سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می نویسد: «امیر المؤمنین (علیه‌السلام) در موضوعت و ابواب مختلف کلماتی دارد و هرگاه **انسان** در یک موضوع کلمات آن حضرت را مطالعه می کند، شک نمی‌کند که این سخنن از کسی است که تمام عمر خویش را در همان رشته سپری کرده است؛ وقتی در بلب **زهد** داد سخن می دهد، گویی هیچ بهره‌ای جز **زهد** و **عبادت** ندارد و گویی تمام عمر خویش را در گوشه خانه‌ای یا در پای کوهی گذرانده که هیچ کس را جز خود ملاقت نکرده است».

ارزش و اعتبار کتب

پیامبر اسلام هنگام رحلت دو **امانت** گرانبها برای جهانیان به **وَدِیعَه** نهاد که عبارتند از قرآن و عترت طاهرین آن حضرت، در میان **عترت** و **اهل بیت** پیامبر نیز امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) از مقلمی ویژه برخوردار است. آیه قرآن او را نفس **پیامبر (صلی الله علیه و آله سلم)** معرفی نموده و فضائل او به حدی است که کسی را توان شمارش آن نیست.

از جمله خصوصیات امیر مؤمنان علیه السلام که هیچ دوست و دشمنی آن را انکار نکرده **فصاحت** و **بلاغت** و سخنوری آن حضرت است، کلام امیر المؤمنین علیه السلام دو خصوصیت ویژه دارد: اول: زیبایی و فصاحت و **انسجام** بی‌نظیر آن که آن را «فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق» قرار داده است. دوم: تأثیر و نفوذ شگفت‌انگیز آن به طوری که نه تنها در آن زمان که پس از ۱۴ قرن هنوز هم هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ارزش کتب شریف نهج البلاغه هم همین بس که آن را «**آخر القرآن**» و برادر کتب **خداوند** دانسته‌اند. اگر قرآن در چندین مورد به مبارزه فرا خوانده که اگر می‌توانید برای آن مثل و ماندنی بیابارید حقا نهج البلاغه هم با تمام وجود خود چنین دعوتی به مبارزه و همتا آوری نموده است، نهج البلاغه کتابی است که بزرگترین فصحا و بلیغ‌ترین گویندگان در طول تاریخ افتخار خویش را در محضر نهج البلاغه بودن دانسته‌اند. اما نهج البلاغه کتابی نیست که تنها از حیث لفظ اوج قله‌های فصاحت را فتح کرده باشد، بلکه محتوا و مضمون این کتب شریف نیز تالی و دنباله‌رو قرآن است.

از زبان مؤلف

سید رضی (علیه‌الرحمه) نیز در مقدمه نهج البلاغه چنین فرموده: «امیر المؤمنین (علیه‌السلام) در موضوعات و ابواب گوناگون کلماتی دارد و هر گاه **انسان** در يك موضوع کلمت آن حضرت را مطالعه می‌کند، هیچ شکی نمی‌کند که این سخن آن کسی است که تمام عمر خویش را در همان رشته سپری کرده است. وقتی در باب **زهد** داد سخن می‌دهد گویی هیچ بهره‌ای از غیر زهد و **عبادت** ندارد، گویی تمام عمر خویش را در گوشه‌خانه‌ای یا در پای کوهی گذرانده که هیچکس را جز خودش ملاقت نکرده است. هیچکس باور نمی‌کند این کلام کسی است که در **جنگ** آنچنان دلآوری می‌کند و گردنهای گردنکشان را می‌زند و پهلوئان را به خاک می‌افکند و **خون** آنرا بر **زمین** جاری می‌کند و در عین حال او زاهدترین انسان و صالح‌ترین افراد است. این از خصلتها و فضائل عجیب آن بزرگوار است که جمع بین **اصداد** کرده و صفات متضاد را یکجا جمع نموده است.»

اولین گردآورندگان

به جهت مقام و منزلت امام علی (علیه‌السلام) و جذابیت سخنان آن حضرت، اصحاب و یاران ایشان از همان دوران قرن اول هجری خطبه‌ها و سخنان حضرت را حفظ کرده و سینه به سینه نقل می‌کردند. در این بین عده‌ای برای حفظ این گنجینه‌های گرانبها آنها را نوشته و به صورت کتب و جزواتی برای نسلهای بعد به یادگار گذاشتند. از جمله حدود یکصد و بیست کتب قبل از نهج البلاغه تمام یا قسمتی از حجم خویش را به نقل کلمت گهربار آن حضرت **اختصاص** داده‌اند. اولین کسی که سخنان آن حضرت را در کتابی گردآورد صحابی ایشان، زید بن وهب (متوفای ۹۶ هجری) بود در کتابی با نام «**خطب امیر المؤمنین (علیه‌السلام)**». پس از او بزرگانی همچون **نصر بن مزاحم مقرئ** (متوفای ۲۰۲ هجری)، اسماعیل بن مهران (متوفای ۲۰۰ هجری)، **واقفی** (متوفای ۲۰۷ هجری) و مسعدة بن صدقة را می‌بینیم که هر يك اثری به یادگار نهاده‌اند.

شخصیت و انگیزه و روش سید رضی

مهمترین و معروفترین کتابی که به عنوان مجموعه سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) در اختیار ما است کتب «**نهج البلاغه**» می‌باشد. این کتب توسط سید رضی جمع آوری شده است. سید رضی از بزرگترین علمای زمان خویش بود و علاوه بر رشته‌های مختلف **علوم اسلامی** یکی از بزرگترین ادباء و شعرای زمان خویش قلمداد می‌شد. او در سال ۳۵۹ هجری در شهر **بغداد** به دنیا آمد و در سال ۴۰۶ هجری در همان شهر بدرود **حیات** گفت و در جوار **کاظمین (علیهم‌السلام)** مدفون گشت. سید رضی در مقدمه نهج البلاغه **انگیزه** خود را در جمع آوری این کتب شریف چنین بیان می‌دارد: «من در سنین جوانی شروع به تألیف کتابی در خصائص **انمه (علیهم‌السلام)** نمودم که اخبار و کلمات آن بزرگواران را به صورت گلچین شده جمع آوری نمایم. زمانیکه خصائص مربوط به امیر المؤمنین (علیه‌السلام) را به **اتمام** رساندم مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم کتب را کامل نمایم. در پایان فصول این کتب فصلی در کلمات قصار آن حضرت آمده بود، لکن خطبه‌ها و نامه‌های مفصل ایشان را نکرده بودم. چون عده‌ای از دوستان این فصل از کتب را دیدند برایشان بسیار جالب بود، لذا از من درخواست کردند کتابی مستقل پیرامون کلمات گرانبهای امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در موضوعات گوناگون تألیف نمایم. من هم که دیدم چنین گردآوری تاکنون انجام نشده، دست به کار تألیف این کتب عظیم شدم... و نام آن را **نهج البلاغه** نهادم.» سید رضی در جمع آوری سخنان علی (علیه‌السلام) روشی مخصوص به خود داشته است و آن اینکه **سید رضی** بنای نوشتن و جمع آوری مجموع سخنان علی (علیه‌السلام) را نداشته، به همین جهت، از بین منابع فراوانی که داشته قسمتهایی را گلچین نموده است. او خود نیز در مقدمه کتب به این نکته اشاره کرده که آنچه می‌آورد مختار و انتخاب شده‌هایی از کلمات و نامه‌های آن حضرت است.

زمینه‌ها

در اینجا زمینه‌های پیدایش نهج البلاغه را در قرن چهارم هجری بررسی می‌کنیم؛ با وجود توجه و **اهتمام** خاص شیعیان بر حفظ و ضبط سخنان امیر المؤمنین (علیه‌السلام) ماندگارترین اثر در این زمینه در قرن چهارم هجری شکل می‌گیرد. در این خصوص علل و عواملی به **ذهن** می‌رسد که به برخی اشاره می‌کنیم: قرن چهارم قرن آغاز **غیبت کبری** است و **شیعیان** که با غیبت امام خویش مواجه شدند برای ایستادن روی پای خویش و حفظ **مذهب** خود اقداماتی برای حفظ گنجینه‌های گرانقدر و میراث‌های عظیم انمه (علیهم‌السلام) انجام دادند. حرکت شیعیان در این **عصر** به قدری چشمگیر بود که قرن چهارم به قرن تألیف و ترجمه و تدوین کتب اسلامی مشهور گشته است. در این دوران حوزه‌های علمیه فراوانی در کشورهای اسلامی تشکیل شد و علمای بزرگوار با تمام تلاش خود برای پرورش افراد مستعد و نشر علوم اهلبیت (علیهم‌السلام) دست به کار شدند. قرن چهارم شاهد تشکیل اولین حکومت شیعی در **جهن اسلام** بود. «**آل بویه**» در سال ۳۳۴ هجری بغداد را فتح کردند و علمای شیعه در بغداد با تمام توان به فعالیت و نشر افکار **تشیع** پرداختند. شیعیان نیز در سایه این حکومت‌ها از انزوا بیرون آمدند و توانستند آزادانه مناسک و افکار خویش را اعلام نمایند. قرن چهارم دوران شکوفایی **شعر** و **ادب** شیعی هم بود و سید رضی از جمله چهره‌های آشنا و برجسته قرن چهارم هجری است. در این قرن کتابخانه‌ها رونق گرفت و تنها در کتابخانه سید مرتضی در بغداد ۸۰ هزار کتب وجود داشت. کتابخانه دار الحکمه بغداد نیز ۱۰ هزار نسخه خطی نفیس و هزاران جلد کتب دیگر داشت. آزادی شیعیان به حدی رسید که در **تشیع جنازه شیخ مفید** (استاد سید رضی) حدود ۸۰ هزار نفر شرکت کردند که این رقم در تاریخ آن روز بی‌سابقه بود. با توجه به مطالب یاد شده زمینه کملا مساعدی که برای سید رضی مهیا شده بود تا دست به تألیف مهم‌ترین و ماندگارترین اثر شیعه پس از قرآن بزند روشن شد. سید رضی نیز با نهایت دقت و حوصله از منابع بسیار ارزشمندی که در اختیار داشت کتب «**نهج البلاغه**» را جمع آوری نمود.

وجه نامگذاری

اینکه چرا سید رضی نام کتب خویش را نهج البلاغه (راه بلاغت و فصاحت) گذاشته است از مقدمه کتب بخوبی روشن می‌شود، سید رضی، که خود ادیب و شاعری توانا است، چون **اعجاز** امیر المؤمنین (علیه‌السلام) را در زمینه بلاغت و فصاحت دید با جمع آوری این کتب عظمت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) را در این فضیلت، علاوه بر فضیلت‌های فراوان دیگر،

به اثبات رسانده، او با این کتب اثبات کرد که، تنها پرچمدار و یکه تاز میدانهای سیاست و جنگ و زهد و عبادت و اولین مسلمان و بالاترین مسلمان، در زمینه ادب و سخنوری نیز به بالاترین درجه آن رسیده و در مقامی است که هیچ انسان دیگری به آن حد از **اعجاز** نرسیده است. (البته در این بین حسلب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) که علی (علیه السلام) نفس اوست، از دیگران جد است.)

پس چون سید رضی هدفش اثبات این زمینه از فضائل امیر المؤمنین (علیه السلام) بود نام کتب خویش را «نهج البلاغه» نهاد، بخاطر رعایت این جنبه است که سید رضی هیچ گونه ترتیب موضوعی برای نهج البلاغه قرار نداده است. همچنین در ذکر خطبه‌ها و نامه‌ها در بسیاری موارد تقطیع نموده و تنها مقداری از خطبه‌ها را که بیشتر توجه او را به خود جلب کرده، آورده است.

سخنان حضرت

برخی چنین پنداشته‌اند که سخنان امیر مؤمنان علی علیه السلام تنها حجمی معادل نهج البلاغه دارد یا خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت را منحصر در همان تعداد نموده‌اند در حالی که چنین نیست. مسعودی که حدود یکصد سال قبل از سید رضی می‌زیسته، در «**مروج الذهب**» می‌گوید: هم اکنون چهار صد و هشتاد و اندی خطبه از علی (علیه السلام) در دست مردم است. آمدی در «**غرر الحکم**» پانزده هزار کلمه قصار از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل کرده است در حالی که کلمت قصار نهج البلاغه ۴۸۰ کلمه است. کتب فراوان دیگری نیز پیرامون کلمت آن حضرت تحریر شده مانند **تف العقول**، **روضه الواعظین** و... که بیش از یکصد و اندی کتب قبل از نهج البلاغه خطبه‌های امیر المؤمنین (علیه السلام) را جمع کرده‌اند.

محور ها و عناوین

نهج البلاغه دارای سه محور اصلی است:

۱. خطبه‌ها که شامل ۲۳۹ **خطبه** است و از نظر زمانی به سه بخش تقسیم می‌شود: الف) قبل از **حکومت**، مانند خطبه‌های ۵ - ۶۷ - ۱۳۹ و...؛ ب) در هنگام **خلافت**، مانند خطبه‌های ۳ - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶ و...؛ ج) بعد از خلافت، مانند خطبه‌های ۲۰ - ۲۱ - ۲۷ - ۱۰۵ - ۴۷ - ۱۰۸ و....
 ۲. نامه‌ها که شامل ۷۹ نامه است و تقریباً تمام آنها در زمان خلافت آن حضرت نوشته شده‌اند.
 ۳. کلمت قصار یا قصار الحکم که شامل ۴۸۰ کلمه است و از حیث موضوعات بسیار متنوع است.
- تنوع موضوعات در نهج البلاغه بسیار چشمگیر است و کتب متعددی نیز در این خصوص به نگارش در آمده است. در اینجا از بلب نمونه به چند موضوع در نهج البلاغه اشاره می‌کنیم:
- خطبه‌ها شامل موضوعاتی می‌باشند مانند: **اخلاق** (۸ - ۱۰ - ۲۰ - ۲۱ - ۶۳ - ۲۴ و...)، بحثهای سیاسی (۳۲ - ۳۷ - ۴۱ - ۵۰ و...)، افشاگری و احزاب (۳۰ - ۱۰۵ - ۱۹ و...)، جامعه شناسی (۱ - ۳۲ و...)، آیندنگری یا ملاحم (۱۳ - ۴۷ - ۹۸ - ۱۰۱ - ۱۰۸ و...) و موضوعات فراوان دیگر.
- نامه‌ها نیز به طور کلی به عنوان‌های اخلاقی (مانند ۳ - ۲۲ - ۴۷ و...)، نامه به دشمنان (۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۷ و...)، به فرمانداران و استانداران (۵ - ۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۵۶ و...)، به فرماندهان نظامی و مسئولان **بیت المال** (۲۵ - ۲۶ - ۴ - ۱۳ و...)، خطاب به مردم (۲ - ۲۹ - ۳۸ و...)، وصیت‌های امام (۲۳ - ۲۴ - ۵۱ و...) تقسیم می‌شود.
- کلمت قصار نیز تقریباً تمام موضوعات مورد نیاز جامعه را در بردارد و از نظر تنوع موضوعات بسیار گسترده‌اند.

منابع و اسناد

سید رضی در تألیف نهج البلاغه از کتابخانه شخصی خود و کتابخانه‌های بزرگ **سید مرتضی** و بیت الحکمه بغداد و دیگر کتابخانه‌های موجود استفاده کرده است. گرچه خود سید رضی جز در مواردی اندک نام منابع خویش را در متن کتب ذکر نکرده، اما آنچه از منابع مورد استفاده او به دست آمده در کتب شرح نهج البلاغه مفصلاً بیان شده است. از جمله این منابع است: **البین و التبیین** از **جلیط المقتضب**، از مجرد، مغازی، سعید بن یحیی اموی، الجمل، واقفی، المقامات فی مناقب امیر المؤمنین (علیه السلام)، **ابو جعفر اسکافی**، **تاریخ طبری** و...

اشکالی که از دیرباز به نهج البلاغه می‌کردند این بود که سید رضی سندهای روایات خویش را حذف کرده بنابراین، این کتب از نظر علمی **اعتبار** چندانی ندارد و تنها در حد يك كتاب ادبیات می‌توان از آن بهره جست، با توجه به این اشکال از قرن‌ها قبل بزرگان علما در صدد جمع آوری مصادر نقل سید رضی بوده‌اند و خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمت قصار نهج البلاغه را از منابعی قبل از سید رضی جمع آوری کرده‌اند، هم اکنون چندین جلد کتب موجود است که تمام منقولات سید رضی را با ذکر طرق گوناگون مسندا نقل کرده‌اند. در بعضی موارد نیز برای يك **خطبه** دهها **سند** و منبع آورده‌اند که تفصیل آن را می‌توانید در کتب مذکور بیابید.

از جمله کتب مصادر نهج البلاغه می‌توان به عناوین زیر اشاره نمود: مصادر نهج البلاغه و آسانیده از سید عبد الزهراء حسینی، مدارك نهج البلاغه از هادی کاشف الغطاء، مصادر نهج البلاغه از **سید هبه الدین شهرستانی**، اسناد و مدارك نهج البلاغه (فارسی)، از **محمد دشتی** و دهها عنوان دیگر در این زمینه.

شروح و مستدرکات

پیرامون این کتب شریف شرح‌های فراوان نگاشته شده و برخی بزرگان کتبهایی برای فهرست اسامی شرح‌های نهج البلاغه نوشته‌اند. از جمله شیخ حسین جمعه در کتب «شروح نهج البلاغه»، ۲۱۰ شرح نام برده و آقای **رضا استادی** در کتابنامه نهج البلاغه نام ۳۷۰ شرح را ذکر کرده است (همراه با ترجمه). علاوه بر اهمیت و اعتبار این کتب شریف، صعوبت و سختی درک آن نیز نیاز آن را به شرح بیشتر کرده است. معروفترین شروح نهج البلاغه عبارتند از: شرح **ابن میثم بحرانی** متوفای ۶۷۹ هجری، شرح **ابن ابی الحدید معتزلی** متوفای حدود ۶۵۵ هجری، شرح شیخ **محمد عبده**، متوفای ۱۳۲۳ هجری (مفتی **مصر** در آن زمان)، شرح **علامه محمد تقی جعفری** (معاصر)، منهاج البراعة از **قلب الدین راوندی**، متوفای ۵۷۳ هجری، شرح **فخر رازی** مفسر بزرگ **اهل تسنن**، متوفای ۶۰۶ هجری.

برای «نهج البلاغه» به لحاظ اهمیتی که در نظر بزرگان داشته، چندین کتب به عنوان **مستدرک نهج البلاغه** نوشته شده است، **انگیزه** نوشتن مستدرک برای يك كتاب آن است که ترتیب و حجم کتب هیچ تغییری نکند و اعتبار و مقبولیت و شهرت آن آسیب نبیند و در عین حال آنچه مربوط به موضوع کتب است و در آن کتب نیامده در کتابی دیگر ضمیمه گردد. از جمله مستدرکات نهج البلاغه است: مستدرک نهج البلاغه از **هادی کاشف الغطاء**، نهج السعادة در ۸ جلد از **محمد باقر محمودی**، **غرر الحکم و درر الکلم** از آمدی، التذییل از اسماعیل حلبی، ملحق نهج البلاغه از احمد بن یحیی و...

ترجمه و کتب موضوعات

نهج البلاغه کتابی است که به جهت **فصاحت** و **بلاغت** بالای آن بسیاری از **عرب** زبانان هم از درک مفاهیم آن عاجزند چه رسد به غیر عرب‌ها، به همین جهت به زبان‌های مختلف

ترجمه‌های فراوان شده است. ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه حدود ۳۰ عنوان است که از قرن‌های قبل تا بحال به فراخور حال منتشر شده‌اند. از جمله معروفترین ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه در عصر حاضر عبارتند از: ترجمه **فیض الاسلام**، ترجمه‌های توسط آقای مبشری، ترجمه **آیت الله مکارم شیرازی**، ترجمه علامه محمد تقی جعفری، ترجمه **دکتر شهیدی** (تقریباً جدیدترین ترجمه این کتاب است)، ترجمه آقای مصطفی زمانی و...

۱- **آیت الله شیخ جعفر سبحانی** ۲- آیت الله ناصر مکارم شیرازی ۳- **حجة الاسلام و المسلمین محمد دشتی** ۴- **علامه محمد تقی جعفری** ۵- **علامه عبدالحسین امینی** ۶- **محمد مهدی فولادوند** (ره) ۷- آیت الله سید علی نقی فیض الاسلام (ره) ۸- طاهره صفار زاده
از کارهای بسیار ارزشمندی که پیرامون این کتاب عظیم شده استخراج موضوعات و چینش مطالب کتاب بر اساس موضوعی است. در این زمینه نیز بزرگانی از **شیعه** و غیر شیعه دست به قلم برده‌اند که برخی تنها موضوعات را لیست نموده و آدرس داده‌اند، برخی دیگر موضوعاتی کلی انتخاب نموده‌اند و در ضمن تقسیم موضوعی، شرح و توضیحی نیز بر مطالب نوشته‌اند.

از کتب موضوعات نهج البلاغه است: نهج الصباغه از **علامه تستری**، که ۶۷ موضوع کلی انتخاب کرده و پیرامون هر یک شرح و تفسیری هم نوشته است، دلیل، از علی انصاریان با یکصد موضوع، الهادی، از **آیت الله مشکینی** که ۶۲۵ موضوع انتخاب نموده است، تصنیف نهج البلاغه از **لیب بیضون** با ۴۲۵ موضوع، الکاشف از **دکتر مصطفوی**، المعجم المفهرس از محمد دشتی که در ضمن کار معجم‌نویسی ۴۵۶۰۰ موضوع و تیتز بر کلمات امیر مؤمنان (علیه‌السلام) زده است.

نسخه‌های خطی

کتاب شریف نهج البلاغه از غنی‌ترین منابع اسلامی از حیث نسخه‌های خطی است. نسخه‌های این کتاب از **عصر** مؤلف در **قرن** پنجم هجری تا کنون بصورت پیوسته موجود است. در کتابخانه‌های مختلف بیش از ۱۳۰ نسخه خطی معتبر از نهج البلاغه یافت شده از جمله:

نسخه‌های مربوط به سال ۴۲۱ هجری در کتابخانه **آیت الله حسن زاده آملی**، نسخه‌های از سال ۴۸۵ هجری متعلق به علامه **سید محمد علی روضاتی**، نسخه‌های مربوط به سال ۴۸۳ هجری که با نسخه حسن بن یعقوب نیشابوری مقابله شده است، و نسخه‌های فراوانی در کتابخانه **استان قزوین** و **کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی** در قم و...

روش استفاده از قرآن و کلمات معصومین

در عرصه میدان **تفکر**، اگر اندیشمندان برای تأیید گفتار و نوشتارشان در زمینه معارف اسلامی از **قرآن** و نهج البلاغه مولا و کلمات **معصومین (علیهم‌السلام)** تأییدی داشته باشند، برداشته‌شان صحیح، وگرنه باطل و بی‌اساس خواهد بود. این است که حضرت معصومین (علیهم‌السلام)، برای روشن شدن صحت و سقم احادیث منقول، فرموده‌اند: احادیث منقول را با قرآن مقابله کنید، اگر مطابق قرآن باشد صحیح و گرنه جعلی و دستساز است. این مقابله و این برداشت از قرآن و نهج البلاغه و... به دو گونه صورت خواهد گرفت: نخست آنکه **انسان**، خالی‌الذهن و بدون پیشداوری قبلی با این کلمات مقصد برخورد می‌کند، دوم آنکه با پیشداوری و الگوگیری قبلی و با اعتقادی از پیش ساخته شده به سراغ قرآن، نهج البلاغه و دیگر آثار ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌رود. بدیهی است در صورت دوم، برداشت ما از قرآن و نهج البلاغه، بینش قرآن و نهج البلاغه خواهد بود، بلکه تحمیل عقیده و ایده به قرآن و سوءاستفاده از قرآن و نهج البلاغه خواهد بود.

اینگونه مراجعه به قرآن و نهج البلاغه، نه تنها بهره‌ای ندارد و چیزی از مفاهیم عالی‌ه قرآن و نهج البلاغه به انسان نمی‌آموزد، بلکه انسان را به انحراف و تباهی نیز خواهد کشاند. مگر نه این است که ما معتقدیم قرآن کلام **وحی** است و نهج البلاغه و کلمات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) از منبع وحی گرفته شده است؟ پس این ما هستیم که باید خود را در مسیر کلام وحی و کلمات منبع از وحی قرار دهیم، نه آنکه اینها را در مسیر افکار خودمان بگذاریم و بعد بخواهیم برای تأیید قضاوت‌های قبلی و افکار و عقاید خود ساخته‌مان، دنبال دستاویزهایی در این کلمات مقصد بگردیم و محمل‌هایی بترسیم. روش استفاده از قرآن و کلمات معصومین (علیهم‌السلام) این است که انسان خودش را در برابر آنها نسبت به مسائل مطروحه، صاحب‌نظر فرض نکند، بلکه باید تمام چیزهایی را که در آن باره می‌داند - یا خیال می‌کند که می‌داند - کنار بگذارد و با ذهنی کاملاً خالی، بدون هیچ قضاوت قبلی و عقیده از پیش ساخته‌ای به سراغ این خورشیدهای جهان افروز برود.

← نگرش انحراف آمیز

نمونه چنان برخورد نادرست و نگرش انحراف آمیزی به قرآن مجید را که باعث **گمراهی** و تباهی و **فساد** می‌شود، در همین روزگار خودمان و در همین دوران **انقلاب اسلامی** دیدیم. همه می‌دانند و نیاز به طول و تفصیل ندارد که گروه‌های ضدانقلاب و در واقع ضد اسلام از همین روش استفاده می‌کنند. یعنی آنها هم، ظاهراً به قرآن کریم **تمسک** می‌جویند و باصطلاح در هر موردی یک **آیه** از قرآن را مطرح می‌سازند، اما باید دید که آیه قرآن را با کدام معنا، کدام **تفسیر** و کدام برداشت مورد استفاده قرار می‌دهند؟ واقعیت این است که این گروه‌ها نمی‌روند واقعا تفحص کنند و ببینند قرآن چه می‌گوید، بلکه قبلاً نسبت به چیزی معتقد می‌شوند و بعد قرآن را باز می‌کنند و می‌کوشند آیه‌ای در آن پیدا کنند که بتوان آن عقیده پیش ساخته را بدان تحمیل کرد. در نتیجه، می‌بینیم آنها یک نوع برداشت‌های عجیبی از قرآن می‌کنند و محمل‌ها و معنایی از کلام خدا می‌تراشند که در عین اسفناک بودن، انسان را به **خنده** هم می‌اندازد. به جای استفاده واقعی از قرآن، نسبت به **خداوند متعال** افترا می‌بنند و خود را مصداق همان فرموده خداوند در قرآن می‌کنند که: "لا یزید الظالمین الا خسار". یعنی از این نوع مراجعه به کلام خدا، تنها چیزی که به دست می‌آورند آن است که فقط **خسار** و فساد و انحراف خود را افزایش می‌دهند و در منجالب افکار منحرف‌شان بیشتر غوطه‌ور می‌شوند.

← نمونه برداشتهای غلط

به عنوان نمونه‌ای از این برداشتهای غلط و برای آنکه روشن شود چنان برخورد و نگرشی به قرآن تا چه اندازه کجی و انحراف و تباهی می‌آفریند، به یکی از انواع متعدد این برداشتها اشاره می‌کنیم:

در قرآن مجید، هنگامی که در **سوره بقره** توصیف "متقین" مطرح می‌شود، خداوند می‌فرماید: "الذین یؤمنون بالغیب". یعنی افراد متقی کسانی هستند که **ایمان** به **غیب** دارند. و آنچه از کلام خداوند و تمام شواهد و قرائن و با توجه به ذیل آیه استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که در اینجا مراد از غیب، "الله" است. اما حالا این گروه‌های منحرف، بر اساس همان روش غلطی که در برخورد با قرآن دارند، می‌گویند: غیب یعنی زیر زمین، مخفی، مبارزه مخفی. پس قرآن شما را به مبارزه مخفی و زیرزمینی دعوت می‌کند!! و جالب‌تر اینکه تازه اینها، بر اساس این "دعوتی" که خودشان از قرآن تراشیده‌اند، به مبارزه مخفی با چه کسی برمی‌خیزند؟! آیا جز این است که آنها با خود قرآن و **اسلام** وارد مبارزه مخفی شده‌اند؟! دلیل و منشا این انحراف‌های خطرناک چیست؟ مهم‌ترین دلیل آن همین است که اینگونه افراد نخواستند خود را در مسیر قرآن قرار دهند و ببینند برآستی قرآن چه می‌گوید، بلکه قرآن را در مسیر خودشان قرار داده‌اند و خواسته‌اند آنچه را که در فکر و عقیده خودشان می‌گذرد، به قرآن تحمیل کنند. یعنی اول چیزی را فکر کرده‌اند و به آن معتقد شده‌اند، و بعد در آیه قرآن شروع به جستجو کرده‌اند تا ببینند در کجای کلام الله می‌توان چیزی پیدا کرد که یک شباهت ظاهری با افکار آنها داشته باشد و سپس اینطور نتیجه‌گیری کنند که قرآن در این آیه همان چیزی را بیان کرده است که ما می‌گوییم!

بنابراین ملاحظه می‌شود که این طرز برخورد با قرآن و این نحوه نگرش و برداشت از کلام خداوند، نتیجه‌ای جز فساد و تباهی و انحراف ندارد، و همینطور است مسئله برخورد با کلمات معصومین (علیهم‌السلام) و بخصوص نهج البلاغه که در اینجا مورد بحث ما است. یعنی وقتی ما به سراغ نهج البلاغه می‌رویم، نباید قبلاً مغز خود را از افکار گوناگون انباشته باشیم، نباید درباره موضوع مورد نظرمان از اینجا و آنجا اطلاعات مختلفی به دست آورده و درباره آن پیشداوری کرده باشیم و نباید قبلاً به چیزی معتقد شده باشیم و بعد بخواهیم در نهج البلاغه جستجو کنیم و ببینیم در کجای آن، کلامی از امام پیدا می‌شود که بتوانیم فکر و **عقیده** خود را به آن تحمیل کنیم، بلکه برعکس، هنگام رفتن به سراغ نهج البلاغه، باید ذهنمان

کاملاً خالی باشد و قصدمان فقط این باشد که واقعا تفحص کنیم و ببینیم امام (علیه‌السلام) درباره موضوع موردنظر چه گفته است، نه اینکه ما دوست داریم چه گفته باشد. پس اگر به این صورت، یعنی با ذهنی خالی روبه قصد فیض‌یابی از بیان امام به سراغ نهج‌البلاغه برویم، از آن [سود](#) خواهیم برد، وگرنه چیزی جز انحراف و فساد و تباهی در انتظارمان نخواهد بود.

پانویس

منبع

نرم افزار جامع فقه اهل‌البیت علیهم‌السلام ، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

[سایت اندیشه قم](#)

[سایت پژوهه](#)، برگرفته از مقاله «نهج‌البلاغه»، تاریخ بازبینی: ۹۵/۱۰/۳۰.

رده‌های این صفحه: [حدیث شناسی](#) | [کتاب شناسی](#) | [کتاب حدیثی](#) | [کتاب حدیثی شیعه](#) | [مقالات اندیشه قم](#) | [مقالات پژوهه](#)